

آفتهای سرگروه : وابستگی به اعضای گروه

گزارش یازدهم.

این جلسه : آفتهای سرگروه : وابستگی به اعضای گروه

به تاریخ: پنجشنبه ۹۳/۳/۱۵ - ویرایش : دانش آموز

آفتهای سرگروه:

□ خودمحوری

□ عدم تطابق قول و فعل

□ تکبر و غرور

□ مرید پروری

□ وابستگی به اعضای گروه

□ غفلت از برخی اعضا یا مسائل در حلقه و جو

.....

۵- (□ وابستگی به اعضای گروه)

—

امیر: وابستگی خراب است!

مربی حق داره متربیش رو دوست داشته باشه و بعضی رو بیشتر ...

—

دانش آموز: مربی بسیار بیجا میکنه به اعضای گروه وابسته بشه.

—

دانش آموز: دلایل پیامدها و راه مقابله لطفا.

—

دانش آموز: دلیل وابسته شدن:

ظاهری : مربی خوشتیپ یا خوش سیما باشه

مادی : مربی بچه مایدار باشه

اجتماعی: مربی از خانواده با جایگاه اجتماعی خاص باشه.. مثل بچه

شهردار یا نماینده مجلس باشه

—
دانش آموز : چرا یک سرگروه به اعضااش وابسته میشه؟

—
عبدالله : سلام. مهمترین دلایلی همونایی هستن که

—
دانش آموز گفت. اینکه مربی ویژگی برجسته و خاصی داره. و هم اینکه مربی ضعیف النفسه

—
دانش آموز : پیامدهاش

—
دانش آموز : اولاً تاثیر منفی روی بقیه داره.. احساس تبعیض

—
عبدالله : مربی باید فاتحه خودش و حلقه و باقی مربی ها رو بخونه.
پیامدها بستگی به دلیل وابستگی داره.
البته یه دلیل دیگه برای وابستگی وجود داره و اون اینکه مربی کاسه داغتر از اش میشه و می خواد برای مربی همه چیز باشه. میخاد براش دوست، مربی، معلم و حتی بابا و ماما باشه

—
عبدالله : جدی میگم. نمونه هاش رو زیاد دیدم. حتی برخی اوقات خودم هم گرفتارش شدم.

—
دانش آموز : مثلاً اگه طرف بچه مایه دار باشه.. مربی جذبش بشه... چی میشه؟

—
عبدالله : احساس مسءولیت بیش از حد باعث میشه از وظیفه اصلی

خودمون جا بمونيم. لا يکلف الله نفسا الا وسعها. لا يکلف الله نفسا الا ما آتاها

—

عبدالله: ميشه نوکر حلقه به گوش متری

—

محمد ر: علل:

*محبت کردن بی حد و مرز به اعضا

ما در ارتباط باید پایین ترین حد محبت رو داشته باشیم ولی بالاترین حد احترام

—

دانش آموز: علل محبت کردن هم که تا حدودی گفته شد.. برجستگی خاص متری. خب... آفرین..

—

محمد ر: محبت باید مثل محبت پیامبر به شکل دلسوزی برای مردم باشد نه محبت به خود مردم

—

محمد ر: * نا آگاهی در خصوص محدوده ارتباط با نیرو

—

دانش آموز: یا سهل انگاری در این رابطه

—

محمد ر: باید سرگروه حتما قبل شروع حلقه داری توجیح بشه ، سرگروه هر چقدر هم متدین باشه بدون آموزش منحرف میشه

—

عبدالله: افرین حاجی. امام علی ع

مردم رو با محبت کردن بنده خودتون بکنید. قلبهای مردم وحشی هستن

ولی از هرکس که الفت و انس ببینند به سمتش گرایش پیدا می کنند

—

محمد ر: * وجود خلاء عاطفی

—

دانش آموز: لو كنت فطا غليظ القلب لانفظوا من حولك

—

محمد ر: فرد در سن جوانی به شدت نیاز به محبت و دوست دارد و چون بیشترین ارتباط را با اعضای حلقه دارد و آنها هم احساسات بیشتری دارند با یک یا چند تا از آنان ارتباط عاطفی برقرار می کند و به شدت وابسته میشود

—

محمد ر: * کمبود محبت

محمد ر: بعضیا محبتی رو که تو خانواده ندیدن میخوان تو حلقه جبران کنم
از اون ور هم چون سنین نوجوانی و کودکی محبت افراد بیشتری میخوان
پاسخ بدن این محبت رو

—

محمد ر: * افراط در روابط با اعضای حلقه

محمد ر: متأسفانه مشکلی که زیاده
هدف در گروه باید تربیت باشه با ابزار رفاقت نه بالعکس!
با اون عضو حلقه باید رابطه مربی_متربی وجود داشته باشه نه
دوست_دوست

—

محمد ر: * غفلت از یاد خدا

محمد ر: نقل شده مفصل بن عمر از امام صادق می پرسه: عشق چیست؟
امام میفرمایند: دل هایی که از یاد خداوند و خدا محبت غیر خود را
به آنها چشانده است

محمد ر: مسئولیت با ذکر خدا باید رابطه مستقیم داشته باشه نه برعکس

محمد ر: تا از این آسیب دور باشیم

—

محمد ر: *عدم توجه به سایر وابستگی ها

محمد ر: به قول یکی از دوستان اصلی ترین آفت کار فرهنگی غفلت از خود و خانواده است

محمد ر: این دو تایی آخر یکم توضیح بیشتری لازم داره پس باید صبر کنین

—

محمد ر: مورد هفت : مسلمان وظیفه دارد به اطرافیان خودش توجه کند، طرف خواهر با برادر خودش نیاز به کمک آموزشی داره دنبال کلاس تقویتی برای بچه های مسجده!

یا خود من، جلسات قرآن خانوادگی رو نمی رم که مثلا برم هئیت کانون و خیلی وقت ها باعث قطع صله رحم میشه این کار ها که عواقب وحشتناکی داره

—

محمد ر: و مهمترین:

*توجه به ظاهر اعضا

محمد ر: تقریبا غیر ممکنه که اوایل که سرگروه میشیم این رو تجربه نکرده باشیم

درمورد ظاهر هم بحث شد که ممکنه اجتماعی باشه با هرچیز دیگه یک کد هم پیامبر داده؛ فرمودن: فتنه جوان زیبا از فتنه دختر باکره بیشتر است

توجه به چهره و اینجور چیز ها بیشتر تو مقطع راهنمایی اتفاق میفته

محمد ر: راهکار این قضیه هم کنترل نگاهه

—

محمد ر: حالا پیامد های وابستگی

انوشه: من فکر کنم تبعیض و شیوه کلی دو تا بحث جداست
انوشه: در ضمن یکی از عامل های تبعیض ممکنه استعداد فکری یا ادب
و ... باشد

—

عبدالله: بین وابستگی و دل بستگی تفاوت داره.

—

محمد ر: اون هم به نوعی وابستگی محسوب میشه، بعضی جا ها هم
وابستگی نیست
یک خاطره:

محمد ر: یادمه اولین گروهی که داشتم سن پنجم بود
یکی از بچه ها بود به شدت زرنگ، با ادب، فعال و خلاصه بهتر از شما
نباشه گل گل!
یک طوری شده بود که تقریباً من بخاطر اون میرفتم حلقه رو برگزار
میکردم، اگه اون نبود کلاً حلقه برام معنا نداشت! یعنی دل و دماغ
برگزاری حلقه رو نداشتم بعد ها فهمیدم این توجه باعث شده چند تا
استعداد رو تو حلقه از دست بدم

—

عبدالله: وابستگی تا حدودی خوبه، اونى که بده دل بستگی هست

—

محمد ر: نه جفتش بده
یکی بخاطر محبت بله وجود میاد اون یکی بخاطر دلایل دیگه

—

محمد ر: خب
میرسیم به پیامد های وابستگی

—

محمد ر: * مقاومت در برابر تغییر مسئولیت

محمد ر: تو این مورد فقط میشه گفت اتفاقات غیرمنتظره میفته

تهدید، قهر، جوسازی علیه سرگروه جدید و ...
دیده شده در مواردی گریه!!!

—

محمد ر: * تایید و ترویج روش غلط کار گروهی

محمد ر: یعنی چی، یعنی من میام سرگروه بشم گروه فلانی رو نگاه میکنم میبینم چه محبتی و ارتباطی!!! خب این میشه الگوی من و همین کم کم جا میفته

محمد ر: مثلاً یکی دستشو میاندازه دور گردن متریش بعد همین میشه رفتاری که جا افتاده وقتی هم بخواهیم اصلاحش کنیم موضع گیری مشه

محمد ر: اوف این آخرش چقدر مشهدی شد

محمد ر: با وجود یک ناظر کار درست میشه جلوی این آسیب رو گرفت

—

محمد ر: * انحرافات اخلاقی

محمد ر: دیگه اینو بازش نمیکنم چون مشخصه که وابستگی < دلبستگی > محبت < عشق غیر خدا > انحرافات اخلاقی

—

محمد ر: * بدبینی دیگران نسبت به مسجد

محمد ر: این مورد تا حدود زیادی به مورد قبل بر میگردد

محمد ر: نوجوان دوست داره محبوب باشه و وقتی علاقه سرگروه رو به چند نفر دیگه میبینه کینه میگیره و منتقل میشه به بیرون مسجد

—

محمد ر: رفقا یک نکته خیلی خیلی مهم!!!!

یک عده همیشه هستن دنبال نقطه ضعف حزب الهی ها هستن یعنی برای سرگروه های خیلی جاها اتفاق میفته که تهمت های بدجوری بهش زده میشه

لطفاً رعایت کنید توعموم مردم

بعضی وقت ها میبینم سرگروهی با بچه های گروهش تو خیابون دارن

میرن همین میشه بهانه ای برای تهمت

محمد ر: خب قسمت بعد راهکار هاست که اگر تا آخر شب سوال و بحثی نبود شروعهش میکنیم
فعلا که همه به قول مدیر ساکتین فتنه هستن

—

دانش آموز: ۱. مربی یا سرگروه برجستگی خاص یک مربی رو باید سعی کنه از همون اول نادیده بگیره و به خاص بودنش توجه نکنه. تلقین که اینم مثل بقیه است..
۲. مسئولین رده بالاتر باید سرگروه و مربی رو کاملا توجیه کنن.. سرگروه باید خودش مطلع و توجیه باشه.

—

امیر: دل بسته فرد مودب باشیم خوبه
دل بسته فرد درس خون باشیم خوبه
دل بسته فرد مایه دار باشیم خوبه
اما از همه بدتر اینه که یکی از غلمان مخلدون تو گروهت باشه.
هیچ اتفاقی نمی افته. فقط امتحانت سخت تر میشه

—

امیر: البته ان شا الله

—

دانش آموز: الان خودم گزارشاتون رو میدم مسئولاتون تا ادب بشین منحرفا

—

امیر: زکی مو خودوم مسئولوم. حالا به کی می خوای راپورت بدی؟

—

محمد ر: نه همش بده بدی همه اینا یکیه ولی قبح بعضیاش شکسته
ما خودمون راپورت میدیم حالا کسی نیست رو من و امثال من نظارت کنه خیلی خیلی خیلی بده
خب میرسیم به بحث راهکار ها در وابستگی

—
محمد ر: * برگزاری جلسات تربیتی

محمد ر: یعنی همه سرگروه ها هر ماه یا هر هفت دور هم جمع بشن یک استاد تربیتی هم بیاد برای تبیین مبانی و اصول و روش ها در تربیت اسلامی و تذکر نسبت به پایبندی به همان اصول

—

محمد ر: * نظارت بر فعالیت سرگروه

محمد ر: این حرکت باید توسط یکی انجام بشه که بالاتر از سطح بقیه اس هر چند وقت تصادفی بیاد تو یکی از برنامه ها شرکت کنه فرد ما فوق و نظارت کنه به وضعیت

—

محمد ر: این نظارت شاید سرگروه رو ناراحت کنه ولی باعث اصلاح میشه همانطور که علما هم تاکید دارن که اگه یک فرد حتی حضور یک کودک هشت نه ساله رو حس کنه در حضورش گناه نمیکنه

—

محمد ر: * یاد خدا

محمد ر: هر چه یاد خدا قوی تر بشه در سرگروه به عوامل دنیایی کمتر توجه میکنه و کمتر دلبسته میشه

—

محمد ر: * غنی سازی اوقات فراغت اما اینبار برای سرگروه

محمد ر: خب این کار باعث مشغول شدن میشه و طرف دیگه وقت وابستگی نداره

—

محمد ر: * گوشزد نمودن سایر مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی

محمد ر: * ارتباط و دوستی بیشتر با همسالان

محمد ر: خب توضیحش داده شده قبل

—

محمد ر: * تغییر یا سلب مسئولیت

محمد ر: بسیار مفیده این حرکت هرچند بعضیا بگن خشنه

محمد ر: وقتی سرگروه کمتر با اعضا ارتباط داشته باشه خود به خود وابستگی افول میکنه

—

محمد ر: * هجرت از پایگاه

محمد ر: آخرین راه این کاره

وقتی هم به مسجد دیگه ای رفت باید هماهنگ بشه که کار گروهی کمتر انجام بشه

—

عبدالله: سلام براران، مهمتریناش 2 و 4 و 5 هستند

—

محمد ر: 1,2,7

—

امیر: سلام

بعضیا هستن که به مسجدشون تعصب دارن و هجرتشون بدی دیگه کار فرهنگی رو می بوسن می زارن کنار

—

عبدالله: کاملاً موافقم

—

امیر: و همیشه یک نسخه پیچید. باید دید طرف کیه و تصمیم گرفت.

—
عبدالله: احسنتم

—
امير: در مرحله اى كه بنده هستم؛ اختيار دلم رو ندارم. اين صاحب مرده بدون اذن شوهر از خونه بيرون مى ره!!

—
عبدالله: راه حل نشوز تو قران قخر و تنبيه هست!

خلاصه:

علل وابستگى

- محبت كردن بى حد و مرز به اعضا
- نا آگاهى در خصوص محدوده ارتباط با نيرو
- وجود خلاء عاطفى
- كمبود محبت
- افراط در روابط با اعضاى حلقه
- غفلت از ياد خدا
- عدم توجه به ساير وابستگى ها
- توجه به ظاهر اعضا —

پيامد هاى وابستگى

- مقاومت در برابر تغيير مسئوليت
- تايد و ترويج روش غلط كار گروهى
- انحرافات اخلاقى
- بدبينى ديگران نسبت به مسجد

راهكار ها

- برگزارى جلسات تربيتى
- نظارت بر فعاليت سرگروه
- ياد خدا
- غنى سازى اوقات فراغت اما اينبار براى سرگروه
- گوشزد نمودن ساير مسئوليت هاى اجتماعى و خانوادگى
- ارتباط و دوستى بيشتر با همسالان
- تغيير يا سلب مسئوليت

- هجرت از پایگاه (آخرین راه)